

قیام حسین بن محمد علوی بر علیه مستعین عباسی - سال 251 هجری قمری

هنگامی که فشار و ظلم عامل خلیفه وقت بر اهالی کوفه و حوالی آن شدت یافت، عده ای کثیری از مردم این منطقه، دست از جان شسته و آماده قیام بر ضد خلیفه وقت، یعنی مستعین عباسی و عامل وی در منطقه گردیدند. آنان، مردی از سادات علوی را به رهبری خویش برگزیده و وی را از جهت امکانات اقتصادی، جنگی و مردان مبارز یاری دادند.

تسب این مرد مبارز علوی، بنا به گفته طبری: حسین بن محمد، بن حمزه، بن عبدالله، بن حسین، بن علی، بن حسین، بن علی، بن ابی طالب (صلوات الله علیهم اجمعین) است.

وی با چهار واسطه به امام زین العابدین(ع) منتهی می گردد.

حسین بن محمد در آخر جمادی الثاني سال 251 قمری، در نینوا قیامش را آشکار و با تعداد پنجاه تن از یاران خویش با سربازان هشام بن ابی دلف رو به رو شد و پس از مبارزه و نبرد سخت، ناچار به عقب نشینی به سوی کوفه گردید. در آن واقعه تعدادی از یاران او کشته و تعدادی نیز اسیر و به بغداد ارسال گردیدند و در آن جا، محمد بن عبدالله، نماینده خلیفه عباسی، بر هر یک از آنان، پانصد تازیانه زد و سپس آنان را با بدن زخمی و خونین آزاد کرد.

اما حسین بن محمد علوی که به کوفه گریخته بود، در آن جا مجدداً نیرو گرفت و صحنه را بر عامل خلیفه تنگ کرد. احمد بن نصر بن مالک خزاعی، عامل مستعین عباسی در کوفه به نبرد با مبارزان علوی پرداخت و با دادن یازده کشته، مجبور به فرار از کوفه شد. وی به سوی قصر ابن هبیره رفت و در آن جا اقامت گزید و طی نامه ای، خلیفه را از اوضاع کوفه باخبر کرد.

حسین بن محمد، پس از بیرون راندن عامل خلیفه و به دست گرفتن اداره شهر، یکی از سادات علوی به نام ابواحمد، محمد بن جعفر را به نیابت خویش در کوفه گذاشت و خود با شش صد تن از یارانش عازم سوادکوفه گردید و در نینوا و سوادکوفه با سربازان هشام بن ابی دلف بار دیگر به نبرد برخاست.

هشام، این بار در نبرد با وی، متحمل شکست گردید و با از دست دادن سوادکوفه و منطقه نینوا به احمد بن نصر، در قصر ابن هبیره پیوست. مستعین عباسی که از افزایش قدرت حسین بن محمد علوی به هراس و تشویش افتاده بود، مزاحم بن خاقان را در رأس سپاهی سنگین به کوفه اعزام کرد. مزاحم در نزدیکی کوفه، در روستای شاهی اردو زد و داوود بن قاسم جعفری را با اموال و بخشش های زیاد به سوی حسین بن محمد علوی فرستاد، تا وی خود را تسلیم و رزمندگان را از نبرد و درگیری در امان نگه دارد.

ولیکن داوود بن قاسم جعفری در عمل، شتاب و سرعتی از خود نشان نمی داد و بدین جهت کار، به کندهی پیش می رفت. مزاحم بن خاقان که صبر و خویشتن داری را بیش از این، به صلاح و مصلحت خویش و خلیفه نمی دید، لشکریانش را به دو دسته تقسیم کرد. دسته ای را به فرماندهی یکی از سردارانش، به سمت شرقی فرات فرستاد و دسته ای دیگر را برای خویش نگه داشت. آن گاه از روستای شاهی، به سمت غربی فرات هجوم آورد و در مدخل شهر کوفه با سپاهیان حسین بن محمد علوی رو به رو گردید و نبرد سختی میان طرفین درگرفت.

از دو طرف، تعداد زیادی کشته و زخمی گردیدند و مدافعان شهر، با دلایری تمام از شهر خویش دفاع می کردند. اما یک باره، متوجه شدند که دسته ای دیگر از سپاهیان مزاحم بن خاقان که از سمت شرقی فرات، به کوفه حمله آورده بودند، وارد شهر شده و از پشت جبهه، به آنان هجوم آورده اند.

مدافعان شهر و هواداران سید علوی در میان دو دسته از مهاجمان و سربازان مزاحم بن خاقان محاصره شده و آن قدر جنگیدند تا تمامی آن ها کشته شدند.

مزاحم بن خاقان، پس از پایان دادن به قیام سید علوی، وارد شهر کوفه شد و بر اهالی آن، به ویژه بر علویان و هاشمیان بسیار سخت گرفت.

وي به هنگام نبرد، دستور داده بود که دو ناحیه کوفه را با دستگاه سنگ انداز، سنگ باران کنند و بر اثر آن، آتش سوزی بزرگی به راه افتاد و هفت بازار این شهر در آتش خشم و کین دشمن سوخت.

بدین سان، سپاهیان خلیفه با بی رحمی تمام، قیام مردمی کوفه به رهبری حسین بن محمد علوی را سرکوب و پاداش زیادی از خلیفه جائر عباسی دریافت کردند.